

# ایران



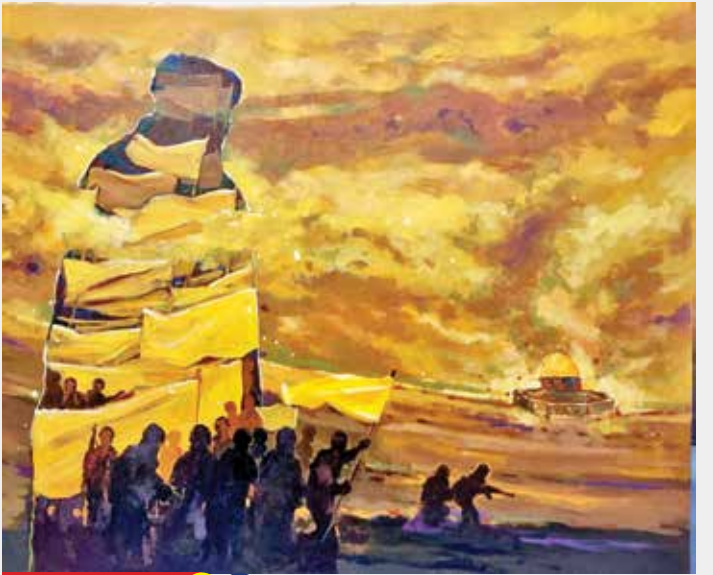
سخن روز

امام حسن عسکری (ع):

دو خصلت است که وری آن دو، چیزی نباشد: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران.

بهارالآنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴

## امتداد راه مقاومت



نقاش: علی بحرینی

## نگاره

## فضای مجازی

### پرچم حق بر زمین نیفتاده و نخواهد افتاد

ویدیویی از صحبت‌های سید محمد مهدی حسن نصرالله، فرزند شهید نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان در فضای توئیتر مورد توجه کاربران قرار گرفته است. وی در این ویدیو گفته خیال کرده‌اید از این راه کناره‌گیری می‌کنیم؟ مگر جبهه نبرد میان حق و باطل تمام شده است؟! علی‌رغم همه فدا شدن‌ها در طول تاریخ، پرچم حق بر زمین نیفتاده و نخواهد افتاد ان‌شاءالله. چون ما بر قواعدی قرآنی تکیه داریم. خداوند عزوجل است که ما را هدایت و راهنمایی می‌کند و خدای عزوجل بهترین نگاه‌گه و یاور است.

### جنایت‌های اسرائیل باید با زبان هنر بیان شود

جواد اردکانی نویسنده و کارگردان سینما درباره شهادت سید حسن نصرالله در پستی نوشت: این اتفاق، ضایعه‌ای دردناک برای محور مقاومت و جهان اسلام است. با یک نگاه تاریخی به گذشته بزرگان دین و کشور می‌توان فهمید که در جنگ، همیشه شهادت هست و شهادت منجر به بالندگی و تقویت بیشتر جبهه حق می‌شود. وظیفه اصحاب رسانه در میان مدت و درازمدت و خصوصاً در جنگ با رژیم صهیونیستی، این است که این جنایت‌ها را به زبان هنر به تصویر بکشند و به مردمان همه جای دنیا از زوایای مختلف، منتقل کنند. وظیفه کوتاه مدت فیلمسازان این است که در همین روزها اجازه ندهند روحیه یأس و شکست در میان مردم و جبهه مقاومت ایجاد شود؛ چراکه ایجاد این روحیه خطرناک‌تر از اصل اتفاق است.

وظیفه کوتاه‌مدت فیلمسازان نیز این است که در همین روزها مراقب باشند و اجازه ندهند روحیه یأس و شکست در میان مردم و جبهه مقاومت ایجاد شود؛ چرا که ایجاد این روحیه خطرناک‌تر از اصل اتفاق است. سینمای ایران به شرطی می‌تواند در این گونه فیلم بسازد که اراده‌ای واقعی بین مدیران و هنرمندان وجود داشته باشد؛ اراده‌ای که سال‌هاست اثری از آن نمی‌بینیم.

### صدای «سید مقاومت» هنوز زنده است

دبیرنوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت برای شهادت سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان دل‌نوشته‌ای را منتشر کرد. محمد کاظم تبار دبیر نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان دل‌نوشته‌ای در فضای مجازی منتشر کرده است. در متن نوشته شده از سوی کاظم تبار آمده است:

اولین باران پاییز می‌بارد و شهر حال و هوای عجیبی دارد. گویا این پاییز، نرسیده زردی‌اش با رخ خیابان‌ها می‌کشد.

باران می‌بارد و چشم‌مان خیره به اخبار است؛ اخباری که بهت‌انگیز است و شهر مملو است از یک عکس؛ عکس مردی که در همان بیلبورد‌ها هم لرزه بر همه‌شم دشمن می‌اندازد و هم به مظلومان جهان دلگرمی می‌دهد، که مقاومت سرانجامش آزادی قدس شریف است، حتی اکنون که دیگر در میان ما نیست، حتی اکنون که تلخی نبودش بر وجودمان چیره گشته و باران در چشمان‌مان جاری است. اقتدار همیشگی‌اش، امید به مسیرش و ایمان به وعده‌هایش ما را مصمم به ادامه دادن راهش تا آزادی قدس شریف می‌کند. او دیگر میان ما نیست و شهر مزین به یاد اوست. او که در جوار حضرت سیدالشهدا و دستاوتش جاودانه است و چشم انتظار عملی شدن وعده‌هایش و حزب‌اللهی که زنده است و نزدیک است هنگامه‌ای که صدای سید مقاومت در سراسر جهان طنین‌انداز می‌شود؛ ادا جاء نصرالله والفتح...

### شهادت مجری مشهور در حمله صهیونیست‌ها به سوریه

در پی حمله رژیم صهیونیستی به سوریه، صفا احمد مجری مشهور این کشور، شهید شده است. صفا احمد ساعتی قبل از حمله اسرائیل در توثیتی برای در امان ماندن لبنان و سوریه از شر حملات صهیونیست‌ها دعا کرده بود. بنابر تصاویری که در فضای مجازی منتشر شده، دست‌کم یک ساختمان در دمشق، پایتخت سوریه مورد اصابت قرار گرفته و ویدیوهایی نیز از درگیری پدافند هوایی سوریه با اهداف متخاصم در آسمان دمشق منتشر شده است. تلویزیون دولتی سوریه هم اعلام کرد که یکی از کشته‌شدگان این حمله به نام صفا احمد از مجری‌های این رسانه است.

### بانوی بی نظیر سریال طوبی

امین زندگانی در پستی در صفحه اینستاگرام هم بازی شدن با فریبا متخصص را در سریال طوبی اینطور توصیف کرد و نوشت: بانوی بی نظیر سریال طوبی سمین خاتون، ستون خانواده فخرالدین، بازیگر بزرگ و سرشار از عشق، سرکار خانم فریبا متخصص، افتخارقرار گرفتن در کنار شما در یک قاب، برای چندمین بار قسمتم شد، اتفاقی که هر روز و هر لحظه انتظار تکرارش را می‌کشم، چون در هر لحظه‌اش از شما می‌آموزم «چگونه عاشقانه در نقش زیستن را».

## صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

## مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:

احسان صالحی

## نقل قول

## چخوف خوانی کار ساده‌ای نیست

در ایران هنوز خوانش درستی از چخوف نشده است، به ویژه وقتی سراغ کارهای چندبرده‌ای او می‌روند، فکری می‌کنند اجراهایی جدی هستند. جاهایی هست که چخوف ما را فریب می‌دهد، درقسمت‌هایی هست که حرف‌های مهمی را در دهان برخی از کاراکترهایش می‌گذارد ولی باید حواس‌مان باشد که این آدم‌ها چه کسانی هستند که این حرف‌ها را می‌زنند و اینجاست که برخی به واسطه این حرف‌های مهم، فکرمی‌کنند اجرا باید جدی باشد و شوخ‌طبعی و کنایه‌آمیز بودن متن‌های چخوف را درک نمی‌کنند. پیدا کردن این رمز که چگونه آن شوخ‌طبعی چخوف را پیدا کنیم و در پایان از دل آن (طنز) به امر تراژیک مد نظر او برسیم، کار سختی است. چخوف هم ما را می‌خنداند و هم به تفکر و آمی دارد و هم احساسی تراژیک از زیستن ارائه می‌دهد. به تعبیر مایاکوفسکی ما دو چخوف داریم؛ چخوف ناامید از وضعیت کنونی و چخوف امیدوار به آینده. هرچند این گفته برای فهم چخوف کفایت نمی‌کند اما به وجوه گوناگونی از او اشاره دارد.

بخشی از گفته‌های رضا بیهودی، بازیگر سینما و تئاتر با ایران تئاتر

## کلمه

## «دارخَلو»، روایتی از نبرد خیر و شر

شر همیای خیر رشد می‌کند، اما غلبه شر بر آدمی بیشتر از خیر است، جنگی که آدمی در برابر خیر و شر همیشگیه گرفتارش می‌شود، مکان حاصلخیزی برای اتفاق است. و همین اتفاقات امکانی برای تألیف اثری داستانی را برای اهل قلم فراهم می‌سازد. رمان «دارخَلو» به نویسنده‌گی ایمان ویسی، داستانی پر از اتفاق است که عامل اصلی خیر و شر را در خود دارد.

مکان جغرافیایی داستان، یکی از روستاهای کوهستانی است. روستایی که به دلیل گویش و لهجه‌ای که شخصیت‌های داستانی دارند به نظر می‌رسد از توابع لردگان، محل تولد نویسنده باشد. نویسنده، زمان داستانی خود را در دهه شصت انتخاب کرده است. مخاطب در ابتدا با ساتیار و خانواده‌اش آشنا می‌شود، مردی که تمام داریی زندگی‌اش، دو گاوش، را درزیده‌اند. پدر خانواده برای پیدا کردن اموال سرقت شده راهی کوه و کمر می‌شود. به این واسطه خواننده هم با نیمی از اهالی روستا آشنا می‌شود. به نوعی ساتیار و کم‌شدن گاوها، نخ تسبیحی می‌شود و دیگر اهالی را مانند مهره‌های تسبیح در کنار هم جمع می‌کند.

نویسنده از تصویرسازی برای خلق نوشته‌اش بهره زیادی برده است. گندم‌زار و درو کردن گندم‌ها، بادهای سرد و سوز کوه‌های اطراف، نوع زندگی و تفریح آدم‌ها، نوع گویش و استفاده از کلمات بومی، همگی دست در دست هم می‌دهند تا مخاطب خود را در آن روستا و خانه‌های کاغذی احساس کند.

«دارخَلو»، در هر بخش، شگفتی و معمای را مطرح می‌کند؛ پازل آشفته‌ای که گویی تنها با رمزگشایی و حل شدن ماجرا، می‌توان تکه‌های بعدی‌اش را پیدا کرد و کنار هم گذاشت.

ساتیار برای پیدا کردن گاوها از روستا خارج می‌شود. همسرش گلپسند می‌ماند و سه فرزند نوجوانش. گلپسند با رفتن مرد زندگی، وارد چالش‌های زیادی می‌شود. رسیدن زمستان بازپرداخت بدهی، خالی بودن سفره و سرگله زدن با پسر نوجوانش، یعنی قوام، او پسری است که از این همه دست‌تنگی و نداری خانواده به ستوه آمده و در هر موقعیتی مادر خود را با گفتارهای تلخش آزاده می‌سازد. نویسنده بعد از راهی کردن ساتیار، دست به معرفی اهالی روستا می‌زند. آدم‌هایی که هر کدام برای خود ماجراهایی دارند. اما در جاهایی از داستان گویی نویسنده به علت تعدد بیش از حد شخصیت‌ها، چگونگی و چرایی بعضی از ماجراها را مشخص نمی‌کند. این رمان به تازگی از سوی انتشارات سورهمهر منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



رمان زبان ساده و صمیمی دارد. تعلیق و اتفاقات داستانی به گونه‌ای کنار هم چیده شده‌اند که مدام ذهن خواننده را به حدس زدن و پرسپیدن اینکه حالا چه می‌شود، درگیر می‌کند که خود این موضوع یکی از نکات مثبت کتاب است.

اما در جاهایی از داستان گویی نویسنده به علت تعدد بیش از حد شخصیت‌ها، چگونگی و چرایی بعضی از ماجراها را مشخص نمی‌کند. این رمان به تازگی از سوی انتشارات سورهمهر منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



جایی که بودن و نبودنت هیچ فرقی ندارد نبودنت را انتخاب کن؛ این گونه، به بودنت احترام گذاشته‌ای.

هارون موراکیسی

## یادداشت

### هنر و ادبیات به مثابه رسانه

آیا هنر و ادبیات در شکل تاریخی خود، نقش رسانه‌ای دارند؟ آیا در دوران مدرن، هنر و ادبیات همچنان مفاد و تعهد تاریخی خود را در نقش رسانه‌ای حفظ کرده‌اند؟ اگر کمی در تاریخ به عقب برگردیم، با معانی متفاوتی از رسانه و رسالت رسانه روبه‌رو خواهیم شد. سرعت و عملکرد بستری ارتباطی که می‌توانند شاکله عملیاتی رسانه باشند، در چپستی و امور محتوایی رسانه هم تأثیر می‌گذارند؛ به عنوان مثال اگر ارسال اخبار سانه و آتش‌سوزی در یک مزرعه کشاورزی به نقطه‌ای معین، چند هفته زمان لازم داشته باشد، طراوت و اهمیت خود را برای مخاطب از دست می‌دهد.

حتی تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی و... هم با تأخیر در مخابره، دچار کهنگی و سرنوشته مشابهی می‌شوند. در این صورت اخبار و گزارشاتی که ماندگاری بیشتری دارند، از اهمیت بیشتری هم برخوردار خواهند شد. اشکال متنوع فرهنگ می‌تواند یکی از همین موضوعات ماندگار باشد که با اتلاف وقت در مخابره اهمیت خود را همچنان حفظ می‌کند. بنابراین رویدادهای حائز اهمیت، از ابزارهای متناسب با نیاز استفاده خواهند کرد. وقتی قند فارسی در قالب غزل سعدی به بنگاله می‌رسد، حاوی جذابیت مضامین، اطلاعات، محتوا و فرمی است که می‌تواند صدقاً یک رسانه فرهنگی باشد.

رسانه‌های ادبی و اشعار، صنایع دستی، آثار هنری، مالتجاره‌ها و... علاوه بر تمام کارکردهای ماهوی. یکی از کارآمدترین سفیران و رسانه‌ها در این ادوار محسوب می‌شوند و داده‌های اجتماعی و فرهنگی مهمی را به مخاطب درون‌زاد می‌رسانند. محتوای این دست رسانه‌ها را باید با عبارت «ماندگاری» توصیف کرد که مقابل اخبار مصرفی در رسانه‌های امروزی قرار می‌گیرد.

با توجه به ابزارها و روش‌های ارتباط جمعی، زمان دسترسی به محتوای رسانه برای مخاطب امروزی اصل غیرقابل اغماض است. مخاطب امروزی برای اطلاع از جزئیات خبری و فرهنگی جهان ابزار تمایل شدیدی می‌کند.

انتظار دارد از کوچک‌ترین رویداد‌های مربوط و نامربوط جهانی مطلع باشد. آگاهی بلافاصله از نتایج همه مسابقات ورزشی، همه معادلات سیاسی جهان، همه دست‌بست‌های هنری، همه رخداد‌های اجتماعی، آخرین دستاوردهای مد و لباس، فناوری‌های جدید، بازار بورس و... موضوع نیاز مخاطب امروزی رسانه‌هاست. چنین مخاطبی نمی‌تواند در سردر کاروانسراها به انتظار قافله و کاروانی باشد تا کتاب و اخبار و اثر تازه‌ای را به دست بیاورد. مخاطب امروزی می‌شود و می‌شود و کتابی که در کتابخانه و برای ارجاعات مکرر باقی می‌ماند

رسانه را مصرف می‌کند. درست مثل قیاس روزنامه‌ای که بعد از مصرف سریع، زباله می‌شود و کتابی که در کتابخانه و برای ارجاعات مکرر باقی می‌ماند. بدیهی است با این تحول معنایی برای رسانه و محتوایش رسانه، ترکیب ابزارهای رسانه‌ها هم متحول خواهد شد. بنابراین با تحلیل شرایط موجود (در این روزگار سریع و سطحی و ناسازگار و ادبیات و هنر و صنعت و گردشگر و تاجر و... که یکی از ارکان فعال شبکه رسانه‌ای جهان به شمار می‌آیند، با وجود همه اشتراکات ماهوی، نقش محوری خود را از دست داده و در عوض متکی بر عناصر زیباشناختی شده‌اند. به همین ترتیب زبان و شکل رسانه هم به ماهیت مصرفی خود نزدیک شده است.



مخاطبی که با رسانه زندگی می‌کرد، حالا رسانه را مصرف می‌کند.

درست مثل قیاس روزنامه‌ای که بعد از مصرف سریع، زباله می‌شود و کتابی که در کتابخانه و برای ارجاعات مکرر باقی می‌ماند



به مناسبت یادبود شهادت سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، تصاویر این شهید در میادین، خیابان‌ها و مراکز خرید شهر تهران نصب شده است. عکس: علی‌رضا مومنی